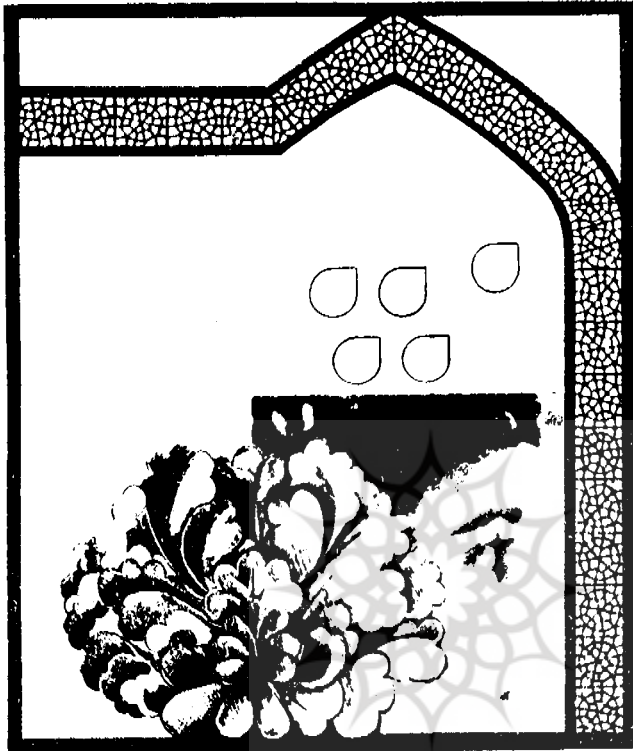


اهمیت تربیت و تزیین



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ونه مرتبه بهائم بل فروتر از آن ، تنزل پیدا می کند . غزالی می نویسد : " تو را حقیقت خود طلب باید کرد تا خود توجه چیزی و از کجا آمدی و کجا خواهی رفت و اندرین منزلگاه به چه کار آمده ای و تو را از بهره چه آورده اند ، و سعادت تو چیست و در چیست ، و شقاوت تو چیست و در چیست ؟

و این صفات که در باطن تو جمع کرده اند بعضی صفات ستوران و بعضی صفات ددان و بعضی صفات دیوان و بعضی صفات فرشتگان است . نوازین جمله کدامی و کدام است که آن

دربار اهمیت تعلیم و تربیت همین بس که تحقق گوهر آدمی منوط بدان است ، مراقبت‌هایی که تحت عنوان تعلیم و تربیت در مورد آدمیزاده اعمال می شود ، شرط لازم رسیدن آدم به مرحله کمال است . نوزاد آدمی هر چند آدمیزاده است ، آدم نیست . بشر تنها با تعلیم و تربیت آدم تواند شد . چنانچه مشمول تربیت صحیح واقع شود ، فرشته خوی گردد ، و اگر از میام آن بی بهره ماند نه تنها استعدادها ، و امکانات بالقوه اش به هدر می رود بلکه به اغلب احتمال ، به فقه‌رامی رود

است که موضوع و مرکبِ نفسِ مَلْکِیِ آست مدتی که در آن مدت کمال خویش حاصل تواند کرد و به مقصد رسید .

و بعضی از حکما گفته اند : مثل مردم بایس نه نفس چون مثل انسانی بود که باسگی شکاری بر مرکبی نیرومند نشسته است . اگر بهیمة یا سبع غالب شود و حکم او را باشد ، همسه در معرض هلاکت افتند ، ولی اگر حکم مردم را بود هم چهارپای و هم سبع را بروحیه اعتدال استعمال کند ، و شرط استراحت ایشان و خویش به وقت حاجت رعایت کنسد و برتیب علوفه و مالا بَدَّ همه جماعت بر قاعدهٔ عدالت کند ، پس احتیاجات همگان در طعام و شراب و دیگر مصالح معاش بنحو احسن بر آورده شود . ۳

از آنچه گفته شد معلوم می شود که حرا انسان تنها موجودی است که نسبت به کیفیت زندگی خود مسئول می باشد . آدمی موجودی منفکر ، دارای قوهٔ تسمیر ، صاحب اراده و مختار است و اصلاح احوال و تحقق فلاحش به چگونگی برنامه هائی که برای زندگی فردی و جمعی خود تنظیم می کند و به نحوهٔ اجرای آنها بستگی دارد :

وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّيْنَاهَا فَأَلْهَمْنَاهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا
فَدَأَلَّهَا مِّنْ رَّزْقِهَا وَ قَدْ خَابَ مَن دَسَّيَاهَا . ۴

باین همه ، چون برخلاف حیوانات دیگر غریزه ندارد و رشد نیافته بدنیا می آید مادام که به حد بلوغ نرسیده است ، ناکزیر بایسد دیگران برایش زندگی را به صورتی که در خور سائن موجودی باین حد ممتاز است ، در آورند . ولی از آنجا که غرض خلقت موجود تحفُّق حالت کمال وی می باشد ، بعهد ادارهٔ زندگی کودک و رفع احتیاجات اولیه اش گرجه لازم است

حقیقت کوهر تست و دیک — ران غریب و عاریت اند؟ که چون این ندانی سعادت خود طلب نتوانی کرد . ۱

سپس هشدار می دهد که آدمی با اشتغال به صفاتی که بپس وی و بهائیم و سبع مشترک است ، به جای سیر به سوی کمال ، سیر قهقرائی می کند ، و به عنوان راه نجات می بویسد که : " باید بیش از آنکه ایشان نورا اسیر گیرند ، نو ایشان را اسیر گیری و درسفری که تورا فرابیش نهاده اند از یکی مرکب خویش سازی و از دیگری سلاح و این روزی چند که در این منزلگاه باشی ایشان را بکار داری تا بحکم سعادت خویش به معاونت ایشان صد کنی . " ۲

به طوری که ملاحظه می شود ، وجود آدمی مجمع یک سلسله واقعیتهای متضاد است و سیر تکاملی وی ، ناحد ریادی در کروآنست که بتواند بین قوای متضاد مذکور هم آهنگی ایجاد کند . توضیح اینکه ، به قول خواجه نصیر طوسی در مردم سه قوت مرکب است : نفس بهیمی و نفس سبعی و نفس مَلْکِی . نفس بهیمی وجه مشترک و نفس مَلْکِی وجه تمایز انسان و بهائیم است ، چنانکه نفس مَلْکِی وجه مشترک و نفس بهیمی وجه تمایز انسان و فرشیکان می باشد . عنان اختیار به دست آدمی است ، اگر می — خواهد به منزلگاه بهائیم فرو آید تا هم اراستان یکی بود ، و اگر می خواهد به مقام ملائکه سود و یکی از ایشان بود .

و حکما گفته اند ، ازین سه نفس یکی صاحب ادب و کرم است در حقیقت و جوهر و آن نفس مَلْکِی است . و دوم هر چند ادب نیست اما قابل ادب است ، و آن نفس سبعی است ، و سیم نه ادب دارد و نه قابل آنست ، و آن نفس بهیمی است که حکمت در وجود وی بقای بدن

تواند بود." ۵.

این نکته نیز درخور یادآوری است که غرض و هدف و ماهیت تعلیم و تربیت آدمی با آنچه از پرورش حیوانات اراده می شود، بکلی متفاوت است. برآستی، تعلیم و تربیت آدمی—زاده فعالیت از نوع فر به ساختن گاو و گوسفند یا کوشی در سطح ریاضت اسب نیست، گاو و گوسفند فر به و اسب تربیت شده اگر نسبت به سایر افراد نوع خود ارزش بیشتری دارند—داز لحاظ میزان سودی است که از آنها عاید انسان می شود، و گرنه، گاو و گوسفند فر به و اسب تربیت شده من حیث حیوان بودن یعنی گاو و گوسفند و اسب بودن، بر سایر افراد نوع خود برتری ندارند. تاءثیر تربیت در آدمی—زاده از دست دیگر است، تربیت در آدمی—زاده من حیث آدم بودنش موثر است. و بشر تنها در سایه

کافی نیست. باید با استفاده از همین فرصت به وی کمک کرد تا برای زندگی مبتنی بر استقلال اخلاقی که ارزش کلی حیانش به کیفیت آنست آمادگی پیدا کند، چه، کارائی آدمی در دوره زندگی بالاستقلال یعنی تجلی انسانیتش در زندگی اجتماعی واقعی بستگی دارد به اینکه تا چه حد در کودکی و نوجوانی توانسته باشد در پرتو تعلیم و تربیتی که از آن بهره مند می شود به حقیقت وجود خویش پی ببرد و راه رسیدن به کمال را در قیامه عمر خویش، هموار سازد. از اینرو، خواجه دربارۀ میاس و برکات تعلیم و تربیت آدمی می نویسد: "به توسط این صناعت میسر می شود که اَدْنی مرادب انسانی را به عالی مدارج رسانند." سپس باعجاب تمام اضافه می کند: "پس صنعتی که بُدو احسن موجودات را اشرف کاینات توان کرد، چه شریف صنعتی



تعلیم و تربیت آدم تواند شد، و آدمی چیزی جز آنچه تربیت از او می سازد نیست.

تفاوت فاحش دیگر تربیت آدمی با پرورش جانوران در اینست که، به قول کانت، آدمی برخلاف حیوان، فقط به وسیله آدمی یعنی به دست افراد تربیت شده، نوع خود تربیت می شود، و این تفاوتی معنی دار است. زیرا کودک و نوجوان ناهثیر رفتار تربیتی بزرگسالان را احساس می کند و در بسیاری از موارد می تواند آن را ارزشیابی نماید و چه بسا کسان که به نقاط ضعف اقدامات تربیتی ای که درباره شان اعمال گردیده است پی می برند. پس هر مربی وظیفه شناس، مشروط بر اینکه با استعداد باشد می تواند تنها با مراجعه به خاطراتی که از رفتار صریحان خویش دارد، در رفتار تربیتی خود تجدید نظر کند. در مقابل، کمبود ناهثیر و تعلیم بعضی بزرگسالان صلاحیت مربی بودن را حتی در مورد فرزندان شان از آنان سلب می کند.

کانت از اینکه تعلیم و تربیت طبقه جوان در زمان او بر تحقیقات معنبر علمی مبتنی نبوده است اظهار ناهتف می کند، زیرا، به اعتقاد وی، مادام که با روشهای علمی مطمئن طریق صحیح و موثر تربیت فرزندان خود را کشف نکرده ایم، از تصور حالت کمالی که آدمی بدان نائل تواند شد عاجزیم.

به نظر کانت "اگر موجوداتی با طبیعت برتر از انسان، تربیت آدمیان را بعهدده داشتند، از امکانات رشد کامل آدمی باخبر می شدیم. در وضع فعلی برآورد دقیق ظرفیت پیشرفت آدمی دشوار است، زیرا، بعضی چیزها توسط تعلیم و تربیت به آدمی می رسد، درحالی که برخی چیزهای دیگر فقط با تعلیم و تربیت در آدمی

رشد می کند. اگر می شد که بیاری افراد برجسته و از طریق قدرنهای مجتمع شده عده زیادی از افراد آزمایشی درین باره انجام دهیم، ممکن بود حتی بدین وسیله بتوانیم اطلاعاتی درباره عظمتی که انسان قادر است بدان نائل آید کسب کنیم." ۶

واظهار امیدواری می کند که در برتو توجهی که هرروز بیش از روز پیش به تربیت آدمیزادگان مبذول می گردد، سرانجام مناسبتی روشن برای تربیت واقعی مکشوف و با معمول شدن آن در سراسر گیتی چهره جوامع بشری به کلی دگرگون شود.

آنچه گفته شد برای نشان دادن اهمیت تعلیم و تربیت بسنده است، معذک، درین مورد یادآوری یک نکته دیگر نیز لازم است و آن اینست که تربیت در آدمی خاصیت تراکی دارد، و وقتی کسی تربیت شده باشد، ناهثیر تربیت به فرد مورد تربیت محدود نمی شود. وقتی اسبی را تربیت کردیم کرّه ها و نتایج آن اسب از برکات تربیت مادر با اجداد خود بهره مند نمی شوند. در آدمی بعکس، تربیت یک فرد کافی است تا خانواده ای حتی قبیله ای را تحت ناهثیر قرار دهد. به عبارت دیگر ناهثیر تربیت در آدمی، مثبت باشد یا منفی دارای جنبه تصاعدی است، چنانچه روزی موفق شویم با اتخاذ تدابیر مقتضی یکبار اکثریت نسل جوان را خوب تربیت کنیم نسلهای متعدد بعدی خود بخود از برکات آن بهره مند خواهند شد. تاریخچه بیدایش و تحول تمدنهای بشری در گذشته که هر یک



همت و حرکت



همت عالی ز فلک بگذرد

مرد به همت ز ملک بگذرد

"خواجو"

آن روز به خواهرم گفته بودم که : خواهم نوشت .

آن روز ، خواهرم ، مدیر خوب مدرسه شکوه ها کرده بود . و من هم قول داده بودم که : بنویسم ! وحالا هنگام " وفا " به عهد و وعده است . حق به جانب او بود ، ساختمانی تنگ و باریک ! یک چهار دیواری که به اجبار هم میز " پینگ پنگ " را در سینه جا داده بود .

تخنخواب مربوط به درس بهداشت راوهم دونا کمد فلزی را (یعنی کتابخانه !!) و ناظم مدرسه می گفت : جای علم کردن " جای " هم هست ! مدیر مدرسه هم شتاب زده و انگار ار کویر به " برکه " رسیده ، از حکایت تلخ محرومیت گفت و گفت و حق به جانب او بود .

حق به جانب ناظم مدرسه هم بود . یک مدرسه و دو زمینه نا همگون ! تا موسم ظهر هنگام درس خواهران دبیرستانی و از یک بعدازظهر هنگامه شور و شیطنت عزیزان دبستانی . پسر بچه های پرشور و بیقراری که گنجشک و گربه و موش و مورچه را عاصی می کنند

"مدرسه ها" را دریابند. همت و بزرگی و ایثار مردم خوب ما، آواز و آوازه با شکوهی شده و بر کوی و برزن ها رفته، که بازهم مددی کمک مردم، برنامه ریزی می خواهد. پیگیری می خواهد، حضور خود مردم هم شرط است. طرح می خواهد. حرکت و کسار و راه اندازی می خواهد. نیت خیر و پاک می خواهد. دل و دست پاک هم می خواهد. خدا نکند که "اعتماد" نوسان پیدا کند. غیرت و همت و با هم بودن، وحدت و ایثار، در رگ و خون و گوشت مردم مسلمان و با ایمان ما و هموطنان ما رخنه کرده و جادارد و جریان دارد.

وضع مدارس ما (بسیاری از مدارس اسفناک است!) معلم در کلاس سلوغ، در حال ریزش، نمور و نمناک، کلاس تاریک و بدهیبت چه کند؟

کتابخانه، در هر مدرسه ای، یک ضرورت است. کتابخانه هم مثل "نمازخانه" فدای کم جایی و کمبود می شود. اتاق خلوت و آرامی برای امور دفتری و نمره و حساب و کتاب مدرسه و دفتر استراحت معلم هادرینگ تفریح.

ای عزیزان و ای برادران مسئول! با طرح و برنامه ریزی حساب شده تابستان آینده، به یاری خدا و همت مردم، مدرسه ها را "آباد" کنیم. آبادتر، اگر با ساختن یک اتاق کتابش حاصل می شود، دواتاق بسازید. اگر صدمرمرسبع نفس راحت را از میان می آورد، یک صدو پنجاه متر مربع را زیر یک سقف استوار برید.

لطفاً ورق بزنید



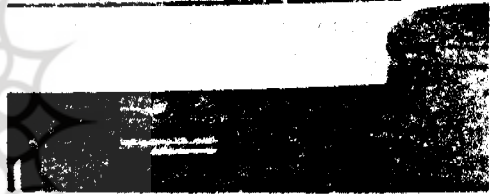
و به شیطنت و کنجکاو، بر سینه صاف و ناصاف دیوارهای کلاس و حیاط و توالی تصویبهای مفهوم و کتک و ناپسند و تاءسف بار به یادگار می نهند! (که اولیاء عزیز از این نکته و درد غافل نشوند. حرف تلخ مرا باور کنید و در رفع عیب و نقص بکوشید و بکوشیم!) می دانم که در شهرک ها و شهرهای بسیار، این مشکل هست و دل و جگر همکاران خوب من، از این بابت، پر خون! موضوع فضای آموزشی جدا و رها از تزکیه و تربیت نیست. وسیله باید مهیا باشد. تربیت صحیح، اخلاق، حفظ آبرو، منانت، حجب و حیا، عفت، چشم و زبان پاک و نمی تواند جدا از محیط مورد بررسی قرار گیرد.

در مدرسه، کلاس مناسب، راهرو و گریدور مناسب، دفتر و دستشویی و توالی مناسب شرط است. در مدرسه، وجود مکانی پاکیزه به عنوان "نمازخانه" شرط است. آزمایشگاه و کتابخانه و یک سالن مناسب برای نمایش فیلم و تئاتر و قصه خوانی و هم شرط است. یک اتاق خلوت و مناسب برای مسائل شور و مشورت و مسائل تربیتی و پند و پرس و جو از درد های پیدا و پنهان "بچه ها" هم شرط است. در یک مدرسه ننگ و اسیر تنگنا و کمبود جا، مدیر و مربی پرورشی و معلم ها، چه کنند؟! (یاد آن فضای دلگشای مدرسه آقا بزرگ در کاشان، یاد فضا و طراوت مدرسه چهار باغ اصفهان و یاد آن مدرسه های بزرگ و جادار و دلپاز) می دانم و می دانیم که دولت و وزارتخانه خوب خودمان هم این "درد" را دیده و شناخته و می داند و در فکر و چاره هم هست. اما خواهش من انتظار من از مردم خوب و بزرگوار و باهتمان این است که

محترم ما ، طرح و برنامه‌های حساب شده ، در ارتباط با این امر مهم و ضروری عنوان می‌شد و ایام به مسامحه نمی‌گذشت .
 می دانم که در سراسر کشور مدیران کل آموزش و پرورش (همکاران خوبان) و روسای مناطق (همکاران عزیزان) دوست دارند در رفع کمبودها و نواقص گامی بردارند (و در حد توان هم حرکت دارند) اما " اندک " است .
 به امید آن روز که گشایش حاصل شود و کمبود جا و مکان در مدارس بکلی از میان رود .
 به امید آن روز و هنگام که " کمبود فضای آموزشی " مانع از حرکت و روند سالم " آموزش " نشود . و آن روز با همت مردم خوب ما و به همت اولیاء محترم دانش آموزان ما خواهد رسید .

با حرف و فاصله از " عمل " فردا هم مثل امروز و امروز هم رنگ دیروز ، خواهد بود .
 در جامعه اسلامی ، هم " مسجد " احترام دارد و هم " مدرسه " و هم کتابخانه و کارخانه و هر جا که اخلاق و تربیت و شیوه پاک اسلامی حاکم باشد ، آنجا عزت دارد ، با عمل و درعمل و همراه با عمل صالح .

علی فرخ مهر



بچه های ما ، خوب و با استعداد هستند .
 گوهرهای درون صدف هستند ، معلم های دلسوز و شریف ما ، آینده با عزت را دوست دارند ، پس همت و حرکت .
 " تربیت " اصل کار است . تربیت سالم عطر دلپذیر حیات است .

پدران و مادران هم ، تربیت فرزندان را طالبند ، اما شرایط مناسب هم شرط است . در کشور مدرسی داریم که آراسته به نعمت هستند جا و مکان و فضای کافی دارند و مدرسی هم داریم که خرمی و طراوت و رشد و آبادی را " طلب " می‌کنند .

با حرف و زبان نرم و وعده ، کار به سامان نمی‌رسد . ای کاش ، از جانب مسئولان



بقیه از صفحه ۴۷

صدها بلکه هزارها سال در سرنوشت بخشش
بزرگی از ساکنان کره زمین موثر بوده اند
شاهد این مدعاست . ۷

۱ - کیمیای سعادت ، ج ۱ ، ص ۱۳ و ۱۴

۲ - کیمیای سعادت ، ج ۱ ، ص ۱۴

۳ - اخلاق ناصری ، ص ۷۶ تا ۷۸

۲ - و جان و آنکه جان را بيسرداخته و
بدکاری و برهبرگار بودنش را به او الهام کرده
هرکه جان مصفا کرد رستگار شد ، و هرکه آن را
بیالود ریانگار شد .

۵ - اخلاق ناصری ، ص ۱۰۷

۶ - تعلیم و تربیت ، ص ۳ و ۴

۷ - این نکته را نیز باید آوری کنیم که اهمیت
تعلیم و تربیت آدمی سرانجام توجه به بشر
دوستان را به خود جلب کرده و به اقداماتی در
سطح بین المللی انجامیده است . ابتدا در سال
۱۹۲۹ به اهتمام جمعی از علاقه مندان به مسائل
تعلیم و تربیت ، مسرکسری تحت عنوان

Bureau International d'Education B. I. E.

با " دفتر بین المللی تعلیم و تربیت " تأسیس
شد و به تبادلۀ نتایج تحقیقات و تجربیات
مربوط به تعلیم و تربیت در سراسر جهان ، بین
کشورهای عضو پرداخت . این دفتر طی
پنجاه سال و اندی که از تاریخ تأسیس آن
می گذرد گامهای بلندی در جهت بیدار ساختن
و هشدار دادن به جهانیان برداشته و محصول
جلساتی را که هر دو سال یکبار در مقر خود
شهر نیویورک تشکیل می دهد ، به صورت توصیه
نامه هائی در اختیار ملل عضو گذاشته است .

از سال ۱۹۴۵ و احتمالاً بر اثر جنگ خطر

که تا آن تاریخ دو بار سه صورت " جنگ
بین الملل " به صدا درآمده بود ، نهضت
بین المللی دیگر تحت عنوان " سازمان فرهنگی
و تربیتی و علمی ملل متحد یا یونسکو "

United Nations Educational,

Scientific and Cultural Organization

بوجود آمد تا بوضع تعلیم و تربیت عمومی
جهانیان به عنوان اعضای این اجتماع بزرگ
نظارت کند . یونسکو UNESCO نیز تا کنون
در سراسر جهان دست به اقدامات وسیعی زده و
چند طرح آن در ایران نیز اجرا شده است .

بالاخره ، سازمان ملل متحد در اجلاس هیئت
عمومی مورخ دهم دسامبر ۱۹۴۸ خود ، اعلامیه
جهانی حقوق بشر را به تصویب رسانید که در
ماده ۲۶ آن حقوق تعلیم و تربیت افراد همه
شرح زیر مورد تأیید قرار گرفته است :

۱ - هرکس حق تعلیم و تربیت دارد ، یعنی
تعلیم و تربیت باید لافل در مراحل اولیه و
ابتدائی مجانی و آموزش ابتدائی اجباری باشد .
تعلیمات فنی باید به طور کلی در دسترس
همگان و تعلیمات عالییه بر حسب استعداد در
دسترس عموم قرار گیرد .

۲ - تعلیم و تربیت باید به توسعه شخصیت
انسان و تقویت احترام حقوق بشر و آزادیهای
اساسی مسوجه گردد و تقاضای اعضای و موودت را
بین کلیه ملل و دسته های نژادی و مذهبی
بوجود آورد و موجب پیشرفت فعالیتتهای
ملل متحد در راه حفظ صلح شود .

۳ - آبویس در انتخاب نوع تعلیم و تربیتی
که به فرزندانسان داده می شود ، دارای حق
تقدم می باشند .

دکتر غلامحسین سکوهی